

ما اکثراً به اختیار و انتخاب خودمان طلبه شده ایم. در بدو ورود یک هدف مقدس داشتیم و شاهدش اینکه در برگه مصاحبه ای که از بیش از ده هزار طلبه گرفته ام، بیش از ۹۰ درصد افراد اذعان کرده اند که برای یاری و سرپایز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حوزه آمده اند. حالا که اینگونه بوده است، چرا پس از گذشت چندسال مسئولین را متهم ردیف اول ناموفقیت های خود در مسیر طلبگی می دانیم؟

بباید اینگونه به این مسیر نگاه کنیم. ما نوجوانی بودیم که ندای خداوند را در قرآن شنیدیم که افرادی را به یاری دین می طلبید. ندای امام عصر را شنیدیم که برای اصلاح امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یاورانی را فرا می خواند. ما هم مانند آداب زیارت امام حسین در مسیر اربعین لبیک گویمان، این نداها را اجابت کردیم و برای یاری دین از خود به خودی دیگر هجرت کرده و هویتی جدید برای خود برگزیدیم و کسوت طلبگی را برای خود پسندیدیم.

آن زمان که به اختیار خود این راه را برگزیدیم، فقط یک هدف داشتیم. یاری خداوند. و شنیده بودیم که ان تنصروا الله ینصرکم. اما نمی دانستیم که افرادی هستند که برای آمادگی ما برای نصرت خداوند، زمینه را فراهم کرده اند. نمی دانستیم که قرار است ما را راهنمایی کنند و به ما خدمت کنند تا برای یاری بهتر خداوند مهیا شویم. نمی دانستیم آموزش می دهند، شخصیت و هویت، جای خواب و استراحت، غذای گرم و آب سرد، بیمه و خدمات دیگر. حتی به فکر سلامت و جسم و روان ما هستند و زمینه تفریح، ورزش و سفر ما را نیز فراهم کرده اند.

جالب شد. ما خودمان بر اساس انتخاب اختیاری خودمان، این وظیفه را به عهده گرفته ایم و بر خود فرض کرده ایم که حتی اگر هیچ کس ما را یاری نکرد و هیچ امکاناتی در این مسیر نبود، باز هم پرچم یاری دین را به دست گرفته و با تمام قدرت بلند کنیم و تا پایان عمر آن را برافراشته نگه داریم. درست مانند وقتی که برای زیارت امام حسین علیه السلام ندای هل من ناصر ینصرنی او را لبیک می گوئیم و نیت زیارت می کنیم و پای در راه می گذاریم و حتی اگر هیچ کس در این راه نباشد که چای و فلافل به دست ما بدهد و از ما برای دمی آسودن التماس نکند، باز هم این راه را با تمام وجود، قدم به قدم و عمود به عمود می پیماییم و سختی های آن را به جان نوش می کنیم و حلاوت زیارت و یاری ارباب را با چیزی عوض نمی کنیم و از کسی طلب نداریم و از خستگی ها به کسی گله و شکایت نمی کنیم. اینجاست که می توانیم به اصحاب حضرت رو کنیم و بگوئیم که یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما.



ما سرپایز امام زمان هستیم یا طلبه مرکز مدیریت؟

نگارنده نمی خواهد مدیران زحمتکش حوزه علمیه را تطهیر کند و بگوید که آنها به وظیفه خود در موکب داری برای مسافران راه یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به قدر کمال درست عمل کرده اند و ما باید قدر آنان را بدانیم و دائم به آنان وابسته باشیم. بلکه مراد این است که بگوئیم مسئولین حوزه مانند موکب دارانی هستند که باید از آنان بهره ای گرفت و عبور کرد. اگر بودند و کمک کردند، مورد ستایش صاحب این مسیر مقدس قرار خواهند گرفت و ما نیز از آنان تشکر و قدر دانی خواهیم کرد. اگر نبودند و یا کم کاری کردند باز هم از آنان عبور خواهیم کرد و به مسیر ادامه خواهیم داد. نه وابسته خواهیم شد و نه طلبکار خواهیم بود. حتی اگر نباشند و حتی اگر گاهی افرادی معدود به اشتباه مانعی برای رشد ما باشند نیز از آنان عبور خواهیم کرد. درست مانند زمانی که برای رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام هزینه می کردند و دست خود را می دادند تا توفیق زیارت را به دست آورند.

مسئولین خدوم حوزه نیز اگر خود را به سان موکب داران مسیر دلدادگی و زیارت ارباب بدانند، باید به همان شیوه برای خدمت به پویندگان این مسیر التماس کنند تا توفیق خدمت به طلاب نصیبشان شود. در اینصورت هرچه بیشتر خدمت کنند، بیشتر به چشم صاحب این مسیر می آیند و توفیق ادامه این خدمت نصیبشان می گردد. گرچه هستند موکب دارانی که شبانه روز خود را وقف خدمت به طلاب کرده اند و هیچ توقعی از غیر صاحب این دستگاه ندارند. و هستند افراد بسیار اندکی که

نصیبی از موکب داری جز چای و فلافل که خود از این سفره خورده اند، نبرده اند.

مغز کلام اینکه...

چنانچه طلبه بینشی استقلالی به طلبگی داشته باشد و خود را طلبه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بداند، آنگاه برای شخصیت و هویت طلبگی خود ارزشی استقلالی و هویتی جدا از رویه مرکز مدیریت حوزه، قائل خواهد بود و دیگر وابستگی خود را به خدمات مدیران از دست خواهد داد و زمینه رشد فردی او بیش از پیش فراهم خواهد شد. این طلبه منتظر دستور یا انگیزه بخشی از طرف کسی نخواهد ماند و بابت کمبودها و موانع بر سر راه به کسی گله و شکایت نخواهد کرد و کسی را مسئول ناموفقیت های خودش نخواهد دانست. او از این وابستگی عبور خواهد کرد و مانند درخت بیابانی استواتر و ماندگارتر از گیاه گلخانه ای خواهد بود.

امیرالمومنین علی علیه السلام در خطبه ۱۱۱ نهج البلاغه می فرماید:

بدانید که درختان بیابانی چوبشان محکمتر است، اما درختان سرسبز که همواره در کنارآبند پوست نازکترند. درختانی که در بیابان می رویند و جز با آب باران سیراب نمی شوند، آتششان شعله ورتر و با دوامتر است.